

پنج نقش قدرتهای بین المللی در حوادث دوران مشروطه

دشمنی به نام روسیه

● حمیدرضا عزیزی

و موضوع باید به کنسولگری روسیه در ایران ارجاع داده می شد. مصونیتی که به این ترتیب در اختیار اتباع روس قرار گرفت، موجب شد تا آنان با فراغ بال بیشتری فعالیت‌های خود را در ایران پی بگیرند. بر همین اساس، پس از پیروزی مشروطه نیز، مشروطه خواهان توان برخورد با اتباع و به ویژه افسران متخلف روس را نداشتند. همین عامل در هنگام به توپ بستن مجلس نیز امکان مقابله‌ی موثر با قزاقان روس را از آن‌ها گرفت. دومین موضوع که اهمیتی بیش از مورد اول دارد، این بود که بر مبنای این عهدنامه، روسیه حق عباس میرزا و فرزندان او را نسبت به تاج و تخت ایران به رسمیت شناخت. هرچند این ماده‌ی عهدنامه به عنوان امتیازی برای دولت ایران در نظر گرفته شد، اما در اصل مهمترین نقش را در تثبیت نفوذ روسیه بر پادشاهان قاجار داشت. در واقع بر این اساس روسیه این تعهد(!) را می پذیرفت که هرگاه تاج و تخت اولاد عباس میرزا به خطر بیفتد، از تمامی امکانات خود برای جلوگیری از این امر استفاده کند. واضح است که سلطنت ضعیف و بی بنیه و در عین حال استبدادی قاجار، بهترین حکومتی بود که از دید دولت تزاری در ایران وجود داشت. پس نفع اصلی حراست از سلطنت این خاندان، در درجه‌ی اول متوجه خود روسیه بود. این ماده‌ی عهدنامه‌ی ترکمانچای برای روس‌ها دستاویزی بود تا دخالت خود در اوقات مقتضی را توجیه کنند؛ کما اینکه در ماجرای کودتای محمدعلی شاه چنین کردند.

۲- قزاقخانه‌ی شاهنشاهی:

ناصرالدین شاه در سال ۱۸۷۸ میلادی (۱۲۹۵ قمری) سفری به روسیه داشت. در این زمان روس‌ها که نفوذ خود در دربار ایران را، با توجه به امتیازاتی که آن اواخر بریتانیا از ایران گرفته بود، کمتر از پیش می دیدند، در صدد جلب نظر شاه قاجار برآمدند. در همین سفر و مانوری که در سن پترزبورگ برای ناصرالدین شاه ترتیب داده شده بود، لباس و اسلحه و همچنین نظم و انضباط افسران روس، مورد توجه شاه قرار گرفت و شاه بر آن شد تا قسمتی از سواره نظام ارتش ایران را به سبک قزاق‌های روسی تربیت کند. الکساندر دوم، تزار روسیه، از این ایده استقبال کرد. سال بعد، تعدادی افسر قزاق به ریاست کلنل «دوماتوویچ»، با اسلحه و تجهیزات به ایران اعزام شدند تا قزاقخانه‌ی شاهنشاهی را تأسیس کنند. قزاقخانه‌ی شاهنشاهی که در ابتدا از یک هنگ تشکیل می شد، بعدها به بریگاد (تیپ) و سپس دیویزیون (لشکر) تبدیل شد. در این لشکر، افسران و سربازان ایرانی، تحت نظر افسران روس فعالیت می کردند. فرمانده قزاقخانه در امور نظامی و سیاسی با وزیرمختار

درباره‌ی نقش قدرت‌های خارجی در حوادث منتهی به انقلاب مشروطه‌ی ایران و پس از آن، بسیار گفته و نوشته شده است. به ویژه در مورد سرکوب مشروطه توسط محمدعلی شاه و آغاز استبداد صغیر، و نقشی که دولت روسیه‌ی تزاری در این واقعه ایفا کرد، مطلب فراوان است. در این نوشتار، هدف آن است که به عوامل و زمینه‌هایی که باعث شد روسیه بتواند به نفوذ خود در ایران در آن برهه‌ی تاریخی جنبه‌ی عملی بخشیده و از آن در جهت رسیدن به منافع و مطامع خود استفاده کند، به اختصار اشاره شود. اغلب محققان و تاریخ نگاران، شروع تلاش‌های جدی روسیه برای دست اندازی به خاک ایران و نیز تأمین منافع استعمارگرانه‌ی خود را مقارن با آغاز قدرت‌گیری روسیه در دوران پترکبیر دانسته و به وصیت‌نامه‌ی پترکبیر، به عنوان سندی در اثبات این ادعا اشاره می کنند؛ وصیت‌نامه‌ی که سلطه بر ایران و از آن طریق، دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس و همچنین فراهم کردن امکان قطع شریان حیاتی امپراتوری بریتانیا، یعنی هندوستان را، سرلوحه‌ی وظایف فرمانروایان سرزمین روسیه می داند. فارغ از بحث‌هایی که در مورد صحت و سقم این وصیت‌نامه وجود دارد، و فارغ از اقدامات عملی فراوانی که روسیه در دوران قاجار برای تحت سلطه در آوردن ایران از آن‌ها استفاده کرد، در این نوشتار بر سه عامل که به‌زعم نویسنده تأثیر مستقیم بر سرکوب مشروطه داشتند تمرکز می شود:

۱- عهدنامه‌ی ترکمانچای:

عهدنامه‌ی ترکمانچای در ذهن همه‌ی ایرانیان میهن دوست به عنوان لکه‌ی ننگینی در تاریخ این مرز و بوم به ثبت رسیده است. دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روسیه و شکست ایران در این جنگ‌ها، موجب شد تا روسیه بار دیگر (به مانند عهدنامه‌ی گلستان) از موضع برتر به بیان شروط خود برای پایان جنگ بپردازد و دولت ضعیف و شکست خورده‌ی قاجار، این بار نیز چاره‌ای جز پذیرش نداشت. بر طبق این عهدنامه که در تاریخ دهم فوریه‌ی ۱۸۲۸ میلادی (۱۲۴۳ قمری) به امضا رسید، شهرهایی از ایران در منطقه‌ی قفقاز جدا شده و به روسیه تزاری منضم گشت. به علاوه، پرداخت غرامت و امتیازات فراوان دیگری برای روسیه، مورد پذیرش ایران قرار گرفت. اما آنچه در رابطه با بحث ما حائز اهمیت می باشد، دو مطلب است؛ اول اینکه طبق این عهدنامه به روسیه حق «کاپیتولاسیون» داده شد. بر اساس این اصل، هرگاه یکی از اتباع روسی مقیم ایران جرمی مرتکب می شد، دادگاه‌های ایران حق کوچکترین دخالتی نداشتند

نیز جنوب و مناطقی از شرق کشور منطقه نفوذ انگلستان شناخته شد. بیابان های مرکزی ایران و سایر مناطق فاقد اهمیت استراتژیک نیز به عنوان منطقه ی بی طرف شناخته شد. دو دولت اندکی بعد خبر عقد این قرارداد را به دولت ایران دادند. هر چند مردم و نمایندگان مجلس و حتی خود محمدعلی شاه مخالفت خود را با این قرارداد اعلام کرده و آن را مردود و بی اعتبار دانستند، اما اثرات مستقیم این قرارداد بر اوضاع داخلی ایران اندکی بعد آشکار شد؛ ضمن اینکه دو دولت به تدریج شروع به اجرای مفاد قرارداد کردند، این قرارداد باعث شد که وقتی روسیه تصمیم به حمایت از محمدعلی شاه و سرکوب مشروطه خواهان گرفت، دولت انگلستان هیچ مخالفت و مقاومتی نکرده و در واقع به طور ضمنی از این اقدام حمایت نیز بکند. به این ترتیب مشخص شد هدف انگلیسی ها از حمایت قبلی از مشروطه نیز چیزی جز دستیابی به منافع بیشتر نبوده است.

همان طور که در ابتدا اشاره شد، سه عامل فوق مهمترین تأثیر را در زمینه سازی نقش آفرینی روسیه در سرکوب آزادی و مشروطه در ایران داشت. روسیه به پشتوانه ی این امکانات و در حمایت از استبداد، خانه ی ملت و نماد مشروطیت را به توپ بست و زمینه ی به خاک و خون کشیده شدن جمعی از خادمان ملت ایران را فراهم نمود. هر چند، مسیر وقایع ثابت کرد که ظلم و استبداد با همه ی قدرت خود ماندنی نیست و اراده ی آهنین ملت، هر مستبدی را از صحنه به زیر می کشد.

منابع:

- آبراهامیان، پرواندا؛ ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، نشر مرکز، ۱۳۸۲
- شمیم، علی اصغر؛ ایران در دوره ی سلطنت قاجار، انتشارات مدبر، ۱۳۷۵
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶
- وبسایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

(www.iichs.org)

روسیه در تهران مشورت می کرد و گزارش فعالیت های خود را به ستاد ارتش قفقاز می فرستاد. در واقع قزاقخانه فعلیتی کاملاً مستقل از دولت ایران و کاملاً مطابق با منافع روسیه داشت. در جریان وقایع مورد بحث این نوشتار نیز که منافع روسیه ی تزاری با منافع دولت استبدادی ایران کاملاً همسو شده بود، قزاق نقش بسیار مهمی ایفا کرد. در این هنگام، کلنل لیاخوف فرماندهی بریگاد قزاق را به عهده داشت. او که در هماهنگی کامل با سرگی شاپشال، مستشار نظامی روسیه در ایران و هارتویگ، وزیر مختار این کشور عمل می کرد، در توطئه ی محمدعلی شاه علیه مشروطه فعالیت آشکار داشت و عملیات به توپ بستن مجلس نیز به دستور او و با هماهنگی هایی که قبلاً توسط شاپشال و هارتویگ انجام شده بود، صورت پذیرفت.

۳- قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلستان:

سال های ابتدایی قرن بیستم در اروپا آستان حوادث بسیاری بود. از سویی، ظهور قدرت استعماری جدیدی به نام امپراتوری آلمان، تهدیدی جدی را متوجه استعمارگران پیر نموده بود و آن ها درصدد مقابله با این تهدید بودند. از سوی دیگر، پیشرفت های روسیه در مرزهای شمالی ایران خطری بالقوه برای مهمترین بخش امپراتوری بریتانیا، یعنی هندوستان محسوب می شد. روسیه در نیمه ی دوم قرن نوزدهم عمده توجه و تمرکز اصلی خود برای گسترش سرزمینی را بر شرق متمرکز کرده بود. فعالیت های روسیه در این مناطق باعث شد که نهایتاً در سال ۱۸۸۱ و طبق قرارداد آخال (با ایران) ترکستان به طور کامل به روسیه منضم گردید و مرزهای روسیه ی تزاری به حدود افغانستان کنونی رسید. از این رو، انگلستان در تلاش بود تا پیشروی های روسیه را در همان نقطه متوقف کرده و خطر را از خود دور کند. تهدید آلمان، همان طور که اشاره شد، این فرصت را در اختیار انگلستان قرار داد. دولت های روسیه و انگلستان با میانجیگری فرانسه در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۵ قمری) به مذاکره نشستند. در این مذاکرات سه قرارداد بین دو کشور به امضا رسید. دو قرارداد اول ناظر بر حل اختلافات دو کشور در افغانستان و تبت بود که اولی منطقه ی نفوذ انگلستان و دومی منطقه ی نفوذ روسیه شناخته شد. قرارداد سوم در مورد ایران بود؛ بر طبق این قرارداد، ایران به سه منطقه ی نفوذ تقسیم شد. قسمت های شمالی کشور منطقه ی نفوذ روسیه و



تصویر بالا لیاخوف را در کنار محمد حسن میرزا، ولیعهد ایران نشان می دهد. در آن زمان روس ها در تمامی سطوح مملکت داری دخالت داشتند. حضور لیاخوف در کنار مقامات ارشد ایران و حضور شاپشال به عنوان معلم محمدعلی شاه موید این مطلب است